

بیان، نقاشی و انشاء

درکشف و ظهور شخصیت کودکان

در ضمن تجربیات عملی خود در امر تدریس دریافتم که اساساً تدریس برخی دروس نسبت به برخی دیگر سخت تر است و نیز به کرات ملاحظه نمودم که معلمین تازه کار گاهی در کار خود موفق هستند و گاهی ناموفق و البته دلیل آن را در نوع درس مربوطه دیدم. لذا علاقمند شدم که اگر بتوانم روزی مواد درسی را متناسب با صعوبت و سهولت آن تنظیم کنم.

در میان درسها و برنامه های نسبتاً صعب مدرسه ای، یکی را از همه مشکل تر یافتیم و آن عبارت است از درس «قصه گویی و توضیحاتی که شاگردان درباره آن می دهند». این همان درسی است که بسیاری از معلمین تازه کار و حتی با تجربه گویی از تدریس آن خوف و هراس دارند.

به همین سبب یکی از موارد لازم بعنوان یک حرکت تربیتی و تعلیمی عبارت از شرح روشها و اصول تدریس این درس است تا عوارض و مشکلات آن حل و آسان شود.

در ضمن ملاحظاتی که در بسیاری از مدارس ابتدایی داشته ام بدین نتیجه رسیدم که برخی از معلمین هنوز هم این درس را همچون دروس دیگر مثلاً انشاء و... درس می دهند و وقتی از آنها می پرسیم که چرا فقط از همین یک روش در دروسهای مختلف استفاده می کنند، پاسخ می دهند، «چندان تفاوتی میان این دروس دیده نمی شود».

پس کوشیدم تا با اتخاذ روشی صحیح و اصولی بتوانم فرق میان این درس و سایر دروس بیان کنم. واضح است که این اقدام بی سبب نیست بلکه به یک اصل مهم تربیتی تکیه دارد که می گوید: «کودک را بگذار تا با آزادی تمام آنچه را که در درونش می گذرد با زبان و قلم و نقاشی بازگو کند».

کاملاً روشن است که این عقیده چه تفاوت عظیمی با روش کسانی که ذهن کودک را با انبوهی از کلمات و جملات مختلف انباشته می کنند، دارد. اختلاف در این است که یکی از روشها دانش آموز را در حین درس فقط بمنابۀ یک

ابزار مکانیکی و با یک ضبط صوت فرض می کند ولی آنچه مورد نظر است در حقیقت وسیله زنده ای است که به کودکان کمک می کند تا بتوانند آنچه را که شنیده یا دیده اند و یا عمل کرده و حتی خیال کرده اند به راحتی بیان کنند و این امکان را به آنان می دهد تا بتوانند عواطف و احساساتی دست نخورده را که در درونشان موج می زند، بیان و اظهار نمایند.

هرکس که در عالم کودکان تدریس کرده باشد می داند که انبوه کردن مطالب و فشار آوردن به کودک برای حفظ آنها چه ضربه های عمیق جسمی و عقلی و روانی را در بردارد.

پس شکی نیست که این روش گام مهمی است برای رشد کودک و نیز شکی نیست که تدریس خوب می تواند اثرات دراز مدتی را برای آینده نسل ما در بر داشته باشد.

این مقاله که روشی در تدریس این ماده را پیشنهاد می کند می کوشد تا در زمینه نوامای بحث کند:

جنبه های نظری (کوتاه) و جنبه های عملی (با شرح بیشتر)، زیرا معتقدم که این دو جنبه ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و نباید یکی را جدای از دیگری مطرح کرد.

این بحث در ۴ زمینه دنبال می شود:

۱- هدف.

۲- روشهای متناسب در تدریس این

ماده درسی.

۳- ابزار و وسائلی که در تدریس مورد

استفاده قرار می گیرند.

۴- نمونه دروس تطبیقی در برخی از

کلاس ها.

اولاً: (اهداف):

بمعنوان اهداف تدریس این درس می توان اشاره کرد به:

الف: عادت دادن دانش آموز به بیان ساده احساسات و افکارش به گونه ای آشکار و روشن.

ب: ایجاد اطلاعات بیشتر در دانش آموز نسبت به برخی جمله بندی ها و اصطلاحات که در زندگی روزمره به آنها احتیاج خواهد داشت.

ج: آشنا کردن کودک و ایجاد قدرت در او برای توصیف محیط اطراف خود.

د: واداشتن دانش آموز به تفکر و ابتکار.

ه: عادت دادن دانش آموز به تفکر آزادانه و انتقاد از خود.

و: سالم نگهداشتن وجدان فردی و اجتماعی و ملی و انسانی در فرد.

ز: شناسایی دانش آموز مستعد در زمینه

ادبیات و کمک به آنها برای رشد بیشتر.

جهت تدریس این درس نمی توانم همان روشهای تقلیدی مرسوم مانند استقراء و استنتاج و تحلیل و ترکیب را که معمولاً در تدریس درسهای دستور زبان و دبکنه و قرائت درس و.. مورد استفاده قرار می گیرد، توصیه کنم، ولی روشی را پیشنهاد می کنم که معلم بوسیله آن می تواند برانگیزاننده شور و نشاط در فعالیتهای شاگردان مدرسه باشد. اگر ما باور داشته باشیم که کودکان بطور ذاتی تمایل به بیان اعمال و رفتار و تجارب شخصیشان دارند پس ضروری است که معلم فرصتی در اختیار آنها قرار دهد تا بتوانند درباره اعمال خود و نیز از سایر مسائلی که نسبت به آنها اطلاع و آگاهی دارند بیان و توضیح داشته باشند. آزاد گذاشتن کودک برای بیان حالات درونی خود موجب می شود که بتواند افکارش را خوب بروز دهد، خوب سخن بگوید، و نیز خوب بنویسد.

در همین زمینه جان دیوینی می گوید: «هر روشی که کودک را از بیان آزادانه تمایلات و احساسات درونی و عواطفش بدور نگه دارد، یک روش نامطلوب محسوب می شود، و هر روشی که بتواند این رغبت و تمایل را ایجاد کند، روشی مناسب و خوب بشمار می آید. و البته در صورتی که این روش بتواند کودک را بسوی عشق و علاقه و دفاع از افکار خود سوق دهد، به درجه کمال دست می یابد.

ثالثاً : (ابزار و وسایل) :

به معلمان و مربیان این درس توصیه می شود که در تدریس آن از ابزار و وسایل متعددی استفاده کنند. در اینجا مهمترین این وسایل ذکر می شود:

- ۱ - گفتگوی دانش آموزان از فعالیتهای کارها و بازیها و مشاهداتشان در خانه و مدرسه و محله و مسافرت ها و گردشها.
- ۲ - قصه های مصور کامل و نیمه تمام که باید توسط دانش آموزان بوسیله جملات و نقاشی ها تکمیل شود.
- ۳ - بیان قصه های رمزی که از زبان حیوانات و پرندگان بیان می شود، و یا قصه های واقعی که حوادث آن از زندگی معمولی کودک و محله او گرفته شده است.

و نیز قصه های فکاهی.

۴ - فیلم های سینمایی مخصوص کودکان.

۵ - بهره برداری از پیش آمدها و اتفاقات محلی و ملی و اجتماعی و انسانی و مشکلات و مصائب طبیعی.

۶ - عکس ها و نمبرها و بولهای که کودکان خودشان به مرور جمع آوری می کنند.

۷ - گیاهانی که دانش آموزان در حیاط مدرسه می کارند و حیوانات و پرندگان که بوسیله آنها نگهداری می شوند.

۸ - مشاهدات دانش آموزان در زمینه صنایع محلی و بازار و فروش آن.

۹ - دفتر یادداشت روزانه کودک که خاطرات خود را در زمینه های مختلفی مثل اتفاقاتی که طی مسافرتها و جشنهای دستجمعی با دوستان پیش آمده است و یا خبرهای جالبی که از رادیو شنیده یا نکات جالبی که در روزنامه ها و مجلات خوانده است بطور مرتب و منظم در آن ثبت کرده است.

۱۰ - مکاتیب و نامه نگاری با سایر دانش آموزان در مدارس و یک شهرستان یا کشورشان و یا حتی ممالک دیگر.

۱۱ - روزنامه دیواری بطوری که بتوانند مکتوبات و تألیفات خود را در آن قرار دهند.

۱۲ - کارت آزمایش معلومات و کارت آزمایش هوش و کارت جمله سازی و تکمیل جملات.

۱۳ - مرتب کردن تصاویر پیاپی یک قصه.

۱۴ - چاپخانه مدرسه ای مطابق روش پیشنهادی «قرنه» روانشناس معروف همراه با تشکیل مجله ای برای مدرسه که نگارش و تنظیم آن بعهده دانش آموزان است.

۱۵ - مطالعه آرام و بدون کلام داستان کودکان و بعد خلاصه کردن داستان بصورت شفاهی یا کتبی. البته که مطالعه بهترین وسیله برای پیشبرد قدرت نگارش دانش آموز و ازدیاد گنجینه لغات و مهارت در بیان و توضیح و سخنگویی است.

۱۶ - بیان و تشریح ذهنیات بوسیله نقاشی.

بی مناسبت نیست قبل از آنکه وارد بحث نمونه هایی از روش تدریس این ماده شویم، کمی درباره آموزش تربیتی بیان و

توضیح ذهنیات بوسیله نقاشی شرح دهیم.

روانشناسان معتقدند که تمایل به نقاشی از همان سال اول در کودک پدید می آید. پس نقاشی یکی از نیروهای است که طفل می تواند بوسیله آن احساسات و عواطف خود را بیان نماید و وسیله ای برای رشد او و بسیاری از مربیان بزرگ مانند پستالوزی، فروویل و منستسوری و دیگران توجه فراوانی به نقاشی و تأثیر آن در کودکان نموده اند و نقاشی را بعنوان یک رکن مهم در فعالیتهای آموزشی در سطح دبستان و زیردبستان دانسته اند. و براساس این طرز تفکر امروزه انواع وسایل و لوازم نقاشی و رنگ آمیزی در اینگونه مؤسسات یافت می شود و کودکان بطور آزادانه می توانند افکار و عواطف و احساسات خود را بوسیله نقاشی کشیدن بیان و اظهار نمایند.

بیان بوسیله نقاشی یعنی همان چیزی که ما آن را بیان هنری می نامیم، نزد کودکان بسیار قوی تر و واضح تر از بیان بوسیله زبان است. یکی از مربیان آمریکایی بنام کوکس تعداد ۲۵۰ نقاشی خانهای در حال سوختن را که دوست و پنجاه کودک ۵ تا ۶ ساله آنها را کشیده بودند را با اظهارات ۲۵۰ نفر کودک دیگر ۵ تا ۶ ساله درباره خانهای در حال سوختن مقایسه کرد. نتیجه این مقایسه این بود که قدرت کودک در بیان افکار و احساسات خود بوسیله نقاشی به مراتب قوی تر از بیان بوسیله زبان است.

پس جای تعجب نخواهد بود اگر معلمین را توصیه کنیم که از دانش آموزان خود بخصوص کوچکترها بخواهند که منظره ای از مناظر قصه ای را که شنیده و یا خوانده اند و یا حادثه ای که مشاهده کرده اند یا می توانند در ذهن خود مجسم کنند را رسم نمایند.

نمونه یک تجربه در همین زمینه:

معلم کلاس اول پس از اینکه از دانش آموزان خواست درباره آنچه که در خانه و در میان خانواده شان مشاهده کرده اند صحبت کنند، اوراق مخصوصی را برای نقاشی بین آنها توزیع کرد و گفت: «همه باید درباره آنچه که در خانه مشاهده کرده و یا اگر کاری کرده یک نقاشی بکشند». یک کودک شش ساله دوزن چاق و درشت هیکل را کشید که در

آشپزخانه کنار سفره نشسته و با ولع مشغول خوردن غذا بودند و در چند قدم آنطرف تر یک زن ضعیف و لاغر ایستاده بود که با نگاهی خوفناک و غمگینانه به آنها نگاه می کرد. وقتی از او درباره نقاشی اش سؤال شد، جواب داد: آن دوزن عمه های او هستند و زن ضعیف و غمگین مادر او است. ملاحظه می شود که این کودک بخوبی مسائل درون خانه خود را که حکایت از عدم رضایت او از خانواده اش می گرد با بغض هایی که در درونش موج می زند را با نقاشی نشان می دهد. و بعد معلوم شد که دو عمه او دو دختر بزرگسال هستند که هنوز با برادرشان (پدر طفل) زندگی می کنند و در امور منزل نسبت به مادر او تسلط و حاکمیت دارند، آنها ناراحتی های خود را بر سر مادر آن کودک می ریختند که در نقاشی مذکور بصورت زنی ضعیف و زنجور که مهربانی و شفقت را بخود می طلبید ترسیم شده بود. نتیجه این شد که معلم و مدیر مدرسه با پدر طفل تماس گرفتند و او را در جریان این مشکل کودک قرار دادند و از او خواستند که نسبت به عمه های طفل محدودیت هایی را قایل شوند تا زندگی به گونه ای عادی و طبیعی برای کودک جلوه گر شود... و پس از آن بخوبی تغییرات قابل توجه در رفتار و تلاش و فعالیت کودک به چشم می خورد. در اینجا مثالهای فراوان و قصه های

متعددی وجود دارد که آشکارا دلالت بر این دارد که نقاشی وسیله ای بسیار عالی و مناسب برای بیان احوالات درونی کودک است.

بعنوان نمونه از دهها نمونه که معمولاً در کتابهای کودکان یافت می شود تقدیم معلمین محترم می کنیم. که اگر بطور مختصر با نقاشی بروی تخته سیاه آشنایی داشته باشند و در ضمن بیان قصه از آن استفاده کنند میتوانند از این روش استفاده ببرند:

قصه موش و مداد:

روی میز یکی از دانش آموزان بنام فاخر یک مداد بود. فاخر با استفاده از آن مداد نقاشی های زیبا و فراوانی می کشید. والته مداد هم مطیع و سربه فرمان فاخر بود و هر چه را که او می خواست می کشید. برای همین فاخر مدادش را بسیار دوست می داشت.

و یکروز وقتی فاخر خواب بود یک موش از میز بالا آمد و مداد را برداشت و سعی کرد که قلم را به سوی لانه اش بکشاند. قلم شروع کرد به التماس کردن و گفت: خواهش می کنم مرا رها کن. آخر توجه استفاده ای از من می بری؟ من از چوب ساخته شده ام و تو نمی توانی مرا بخوری.

موش گفت: می خواهم تو را بجوم چون چند وقتی است که دندان هایم مرا اذیت می کنند.

مداد گفت: آه، پس بگذار اقل برای آخرین بار یک نقاشی بکشم و بعد هرگار که خواهستی با من بکن.

موش گفت: چه می کشی؟ نقاشی کن ولی بدان که من تو را خواهم جوید. در همین موقع مداد یک دایره کشید. (در اینجا معلم یک دایره به روی تخته سیاه رسم می کند).

موش پرسید: آیا این پنیر است؟

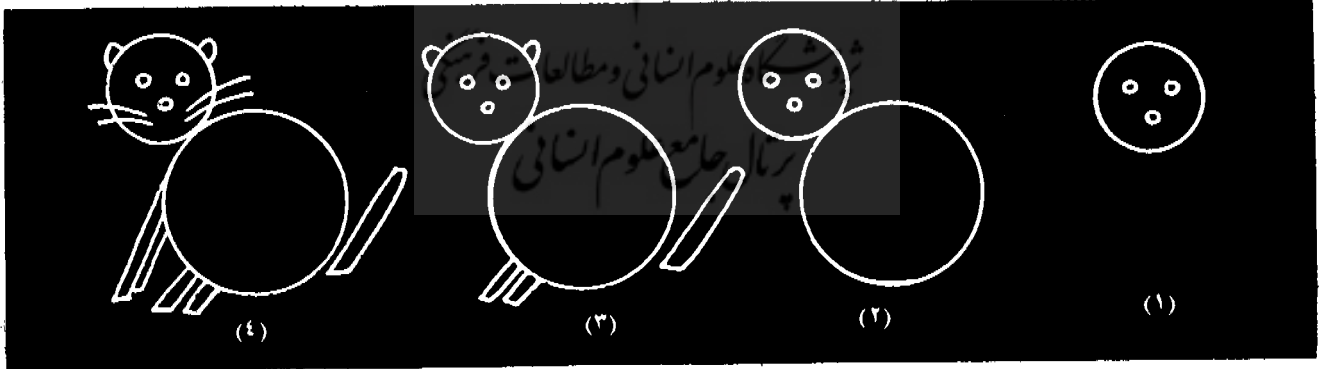
مداد گفت: شاید پنیر باشد. و سه دایره کوچک دیگر نیز درون آن کشید.

موش که دقت به خرج می داد گفت: حتماً یک قالب پنیر است و اینها سوراخهای روی پنیر هستند.

مداد یک دایره بزرگ دیگر در کنار آن کشید موش فریاد زد: این سیب است.

مداد گفت: شاید سیب باشد! و سپس چند خط در اطراف آن کشید. موش در حالیکه لبهای خود را با زبانش ترمی کرد فریاد کرد: زود باش، عجله کن...

مداد گفت: یک دقیقه مهلت بده و قلم کارش را ادامه داد. موش با ترس و لرز گفت: این مثل یک گربه است... دیگر نمی خواهم ادامه بدهی. ولیکن مداد ادامه داد و دو سبیل بزرگ هم برای گربه کشید. اینجا بود که موش در حالیکه حسابی ترسیده بود فریاد زد: این یک گربه واقعی است؟ این یک گربه واقعی است!



مراحل تکمیلی تصاویر:

— کشیدن نقاشی های قصه در طرف چپ یا راست تخته سیاه قبل از ورود دانش آموزان به کلاس و پوشاندن آن با یک پارچه یا کاغذ بزرگ.

— و...

که در مدرسه است معلم می تواند وسایل زیر را بکار گیرد:

— یک فیلم ساده مدرسه ای براساس همین قصه.

— تابلوهای نقاشی شده قصه.

— تابلوی نقاشی شده قصه توسط معلم.

چهارم: «دروس نمونه»

اول: نمونه یک درس مخصوص کلاس اول:

موضوع: قصه مورچه و کبوتر و شکارچی. ابزار و وسایل: با توجه به نوع امکاناتی

ما فرض می‌کنیم که مدرسه شما در یک روستای دورافتاده است که از امکانات زیادی هم برخوردار نیست. پس معلم باید روش کشیدن نقاشی بر روی تخته سیاه را انتخاب کند. که ساده‌ترین و راحت‌ترین روش هاست. البته اگر معلم آشنایی چندانی با نقاشی کردن بر روی تخته سیاه ندارد باید قبلاً چند بار تمرین کند تا دستش برای کشیدن این تصاویر عادت کند و یا اینکه از کس دیگری که بهتر از او می‌تواند این کار را بکند استفاده کند.

معلم در طرف راست تخته سیاه سه صحنه از داستان را بدین ترتیب نقاشی می‌کند:

صحنه اول: کبوتری درحال نجات دادن مورچه از غرق شدن درآب.

صحنه دوم: شکارچی درلابلای درخت‌ها درحالی‌که تفنگش را بطرف کبوتری که روی شاخه‌ای نشسته است به آرامی پیش می‌آید.

صحنه سوم: مورچه دست شکارچی را گاز می‌گیرد و کبوتر از هلاکت نجات می‌یابد.

معلم بعنوان مقدمه و آمادگی بچه‌ها سوالات زیر را مطرح می‌کند:

چه کسی مورچه را دیده است؟ آن را توصیف کن. آن نیش مورچه هم درد آمده است؟ تا بحال مورچه کدامیک از شما را گاز گرفته است؟ بگو چگونه تو را نیش زد و چقدر احساس ناراحتی کردی؟ چه کسی کبوتری را دیده است؟ آن را توصیف کن.

چرا شکارچی کبوتران را شکار می‌کنند؟ شکارچی‌ها معمولاً چه چیز به همراه خود دارند؟...

حال این قصه را گوش کنید که درباره مورچه و کبوتر و شکارچی است.

روزی کبوتری مورچه‌ای را دید که به حال غرق شدن در جوی آب است. کبوتر با مهربانی تمام سعی کرد هرطوری شده مورچه را نجات بدهد. فوراً با مفارش یک تکه برگ کوچک آورد و آن را در کنار مورچه انداخت. مورچه هم خودش را به برگ چسباند و کم‌کم روی آن نشست و با آب آنقدر رفت و رفت که تا کنار جوی آب رسید پس خودش را به زمین کنار جوی چسباند و بدین ترتیب از برگ نجات یافت و از این بابت بسیار خوشحال و شاد بود.

یک روزیک شکارچی به آنجا آمد و چشمش به کبوتر افتاد که روی شاخه درختی در کنار جوی آب نشسته بود شکارچی به آرامی درلابلای درخت‌ها پیش رفت تا به نزدیکی کبوتر برسد و سعی می‌کرد که تفنگش را بطرف کبوتر نگاه بدارد. دراین هنگام مورچه این صحنه را دید. فوراً به طرف شکارچی رفت و با شدت هرچه تمامتر نیش خود را به بدن شکارچی فور برد. او که از این درد، احساس ناراحتی فراوان کرده بود، دستش را تکان داد و در همین هنگام کبوتر پرواز کرد و از جلوی چشم شکارچی دور شد.

معلم قصه را با زبانی آسان و نزدیک به زبان کودکان بیان می‌دارد و چه بسا لازم بیاید که صدایش را در مواقع مناسب تغییر داده و حتی تغییراتی در چهره‌اش نیز بدهد. و یا اینکه متناسب با شرایط قصه حرکات مناسب نیز داشته باشد مثلاً حرکت شکارچی را که در میان درختان آرام، آرام پیش می‌رود تقلید کند و یا اینکه با تفنگش درحال نشانه‌گیری باشد و نیز صدای او را درحالی‌که از درد نیش مورچه فریاد می‌کند تقلید نماید و یا حالت پرواز کبوتر را در جایی دوربال می‌کشد نشان دهد.

در این میان که معلم قصه را به گونه‌ای جذاب بیان داشته است، می‌تواند نشانه‌هایی از آرامش و سکون را در چهره‌های دانش‌آموزان مشاهده کند. پس پرده را از روی نقاشی‌های تخته سیاه برمی‌دارد و از آنها می‌خواهد که در صحنه‌های مختلف آنها بیان‌بیشند و در همین حین سؤالاتی را مطرح کرده و از برخی می‌خواهد که پاسخ بگویند. معلم در این مرحله سعی می‌کند که کودکان را به پاسخ‌های روشن و آسان عادت بدهد. پس این سؤالات را مطرح می‌سازد:

چه کسی می‌تواند این حکایت را تعریف کند؟ و یکی از دانش‌آموزان را (در صورتی که مایل بود) برمی‌گزیند.

چه کسی قصه‌ای مثل این قصه را می‌شناسد؟

چه کسی دوست دارد که نقش مورچه، نقش کبوتر و نقش شکارچی را بازی کند؟

نقد و بررسی کتاب

می‌دانم که این روزها برای همیشه پوشیده خواهد داشت. این سؤالی است که از این رخداد با کسی کلامی می‌تواند...

۱- می‌تواند... و همچنین نیش گویند شاهینی است که برادرش است و از این روی می‌قدرتی مرموز دارم

نتیجه:

با این حساب شاهین با زادی سوخته برادر می‌شود و از قدرت خود به زادی سوخته می‌دهد و زادی سوخته نیز قدرتی عظیم پیدا می‌کند. قدرت پرواز کردن به این ترتیب آسانه

- رنگ حقیقت به خود می‌گیرد. آخرین هارت کتاب نیز منظره‌ای است که بر این مطلب می‌نهد.
- کتاب بدلائل زیر نامناسب تشخیص داده می‌شود.
- ۱- نحوه نگارش کتاب برای این گروه سنی مناسب نیست.
 - ۲- نویسنده در بیان مفاهیم موفق نبوده است.
 - ۳- پیام داستان در لابلاهای کلمات و عبارات کتاب کم شده است. بطوری که پیام اصلی کتاب معلوم نیست. (البته مسئله آزادی به مفهوم امانت‌داری آن طرح شده ولی برای کودکان قابل فهم نیست)
 - ۴- داستان کاملاً تخیلی است، مسائل خرافاتی، خلاف واقع و شبه‌انگیز (مانند یافتن

- قدرت مرموز، قدرت پرواز را به کودکان القاء می‌کند. طرح اینگونه مسائل ذهنی برای کودکان و جدا کردن آنها از دنیای واقعیات پیام‌های منتهی ندارد.
- مطالب تخیلی همین است که برای رشد قوای فکری کودک لازم است ولی باید با مرزبندی مشخص از آن استفاده کرد. این نوع مطالب باید جهت سازنده داشته باشند. وجود جهات منفی در مطالب تخیلی (طرح خیالات بوج و موهومات) ارتباط کودک را با دنیای واقع قطع کرده و موجب نقض غرض می‌شود.
- ۵- از دیگر اشکالات کتاب عنوان کردن غلط دوستی با حیوان است و کودکان را تشویق به اسیر کردن حیوانات می‌کند.